

## فرهنگ دوران مفرغ جدید و آهن I دشت اردبیل مطالعه‌ی موردی قلعه خسرو و قلعه‌های اقماری

رضا رضالو

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی - اردبیل

reza\_rezaloo@yahoo.com

یحیی آیرملو

دانشجوی دکتری پیش از تاریخ گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی - اردبیل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۱۵

(از ص ۶۵ تا ۸۴)

### چکیده

براساس مدارک باستان‌شناختی ویژگی‌های فرهنگی دوره‌ی مفرغ جدید و آهن I در بخش شرقی شمال غرب ایران نسبت به حوزه‌ی دریاچه ارومیه تفاوت‌های چشم‌گیری دارد. این تفاوت در الگوهای استقرار و فرهنگ‌های رایج در این دو حوزه به تفاوت ویژگی‌های جغرافیایی حاکم بر هر حوزه بستگی دارد. با وجود این که عصر مفرغ جدید را در حوزه دریاچه ارومیه با عنوان فرهنگ سفالی نوع ارومیه و خابور معرفی کرده‌اند، ولی بارزترین ویژگی الگوی استقرار دوره مفرغ جدید در قسمت‌های شرقی این حوزه‌ی پهناور فرهنگی، یعنی دشت اردبیل، استقرار در درون قلعه‌هایی است که با مصالح سنگی و به‌صورت خشکه‌چین بر بالای برجستگی‌های بلند طبیعی ساخته شده‌اند و از یک یا دو جهت به‌وسیله عوامل طبیعی مانند: پرتگاه‌ها، پوشش دفاعی داده شده است. قلعه‌های این دوره را با توجه به کاربرد و میزان اهمیت‌شان و برخی نشانه‌های دیگر، می‌توان در گونه‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد. یکی از بارزترین ویژگی این نوع استقرار، وجود یک قلعه‌ی بزرگ در مرکز به‌عنوان قلعه‌ی مرکزی و چندین قلعه کوچک اقماری در اطراف آن بوده است. در این مدل قلعه‌هایی مانند قلعه خسرو، قلعه‌ی مرکزی بوده و قلعه‌هایی چون: قلعه زینو، شیندیرشامی، کیچیک‌یوردی، شیطان‌داشی، گل‌نسا و قلعه‌یری، نقش قلعه‌های اقماری را ایفا می‌کردند. از جمله مشخصه‌های مادی قلعه‌ی مرکزی علاوه‌بر وسعت زیاد آن، قرار داشتن یک گورستان با گورهای چهارچینه خرسنگی در کنار آن بوده است. قلعه‌های اقماری وسعت کمی دارند و در فاصله‌ی کمی دورتر از هر کدام از آن‌ها گورستانی متشکل از قبور چهارچینه سنگی نیز دیده می‌شود. این قلعه‌ها در اطراف قلعه‌ی مرکزی با فواصل مشخصی پراکنده شده‌اند. به‌نظر می‌رسد که کاربرد این قلعه‌ها محافظت از حدود و ثغور قلعه‌های مرکزی و راه‌های ارتباطی بوده است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و توجه به روش‌های میدانی بررسی و نتایج حفاری باستان‌شناختی است. **کلیدواژه‌گان:** دوره‌ی مفرغ جدید، عصر آهن I، قلعه خسرو، قلعه‌های اقماری، حوزه‌ی فرهنگی.

## مقدمه

مطالعات عصر مفرغ شمال غرب ایران بدین لحاظ اهمیت دارد که در طی این دوران در این حوزه، شاخصه‌های فرهنگی متمایزی دیده می‌شود که تفکیک و مطالعه هر کدام از آن‌ها در قالب یک فرهنگ مشخص و واحد در کل این حوزه امکان‌پذیر نیست و ناچاراً، این منطقه‌ی وسیع را که به اشتباه بسیاری از باستان‌شناسان، از آن به‌عنوان یک حوزه فرهنگی واحد یاد می‌کنند؛ باید به حوزه‌های فرهنگی کوچک‌تری تقسیم کرد تا بتوان منشأ و برهم‌کنش‌های منطقه‌ای را به‌خوبی از هم تفکیک نمود. در عصر مفرغ جدید در استان‌های اردبیل و نواحی شرقی آذربایجان شرقی، فرهنگی شکل می‌گیرد که دامنه آن تا نواحی پست دریاچه ارومیه کشیده می‌شود، به‌طوری‌که آثار و شواهد نفوذ این فرهنگ شرقی در محوطه‌های حفاری شده‌ی دینخواه لایه IV و گوی‌تپه لایه C و D دیده می‌شود، ولی چندان مورد توجه حفاران قرار نگرفته است. با شروع این دوران محوطه‌های استقرار که تعدادشان در عصر مفرغ میانی بسیار کاهش یافته بود، افزایش یافت. بارزترین ویژگی الگوی استقراری این دوره در تمامی منطقه ماورای قفقاز، ساخت قلعه‌هایی با مصالح خشک‌چین است. صدها نمونه از این قلعه‌ها را می‌توان در سرتاسر: منطقه‌ی ارمنستان، مناطق مرتفع گرجستان و در غرب جمهوری آذربایجان در طول رود کورا مشاهده نمود. موقعیت قرارگیری این قلعه‌ها به‌گونه‌ای است که به آسانی قابلیت دفاع دارند، یعنی همگی بر بالای تپه‌ها و برآمدگی‌های صخره‌ای که از یک یا دو جهت و حتی بیشتر، توسط عوامل طبیعی چون پرتگاه‌ها پوشش دفاعی دارند ساخته شده‌اند و از جهات دیگر با دیوارهای دفاعی سنگی محافظت گردیده‌اند (Kohl 2001: 324). از جمله ویژگی‌های آغاز این دوره، علاوه‌بر ظهور قلعه‌های بزرگ و مستحکم، ظهور سنت‌های جدید سفال‌گری است که در طی آن شیوه ساخت سفال‌های منقوش عصر مفرغ میانی منسوخ گردیده و نوع جدید گونه‌های سفالی که به رنگ خاکستری، سیاه و نخودی بعضاً با طرح‌های کنده و نقوش داغ‌دار است، رایج شد. این فرهنگ با همان ویژگی‌های مذکور در شمال غرب ایران در حوزه شرقی نیز پدیدار گشت و مناطق مختلفی از این حوزه را اشغال نمود که در این‌جا با مطالعه‌ی میدانی چندین محوطه، به ویژگی‌های دوران مفرغ جدید و اوایل آهن I در این حوزه می‌پردازیم. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محوطه‌های باستانی استان اردبیل، فراوانی تعداد قلعه‌ها است و این ویژگی از موقعیت خاص جغرافیایی و سوق‌الجیشی این منطقه ناشی می‌شود که در مسیری واقع شده که نواحی شمالی را به فلات ایران مرتبط می‌سازد و در طی سالیان متمادی به‌عنوان گذرگاه اقوامی بوده که از این مسیر برای ورود به درون فلات ایران استفاده می‌کردند؛ همین عامل سبب شده تا اقوام محلی برای محافظت از خود در برابر این تهدیدات به قلعه‌سازی روی آورند. قلعه‌هایی که به‌صورت گسترده در دشت‌های شرقی پراکنده شده‌اند، از نظر ساختار معماری و آثار سطحی دارای ویژگی‌های مشترکی هستند؛ از جمله‌ی این ویژگی‌ها، وجود گورستانی متشکل از گورهای چهارچینه‌خرسنگی با سنگ‌چین مدور در کنار این قلعه‌ها است. برخی از آن‌ها به‌عنوان قلعه‌ی مرکزی ایفای نقش می‌کردند که چندین قلعه کوچک را در اطراف خود، حمایت می‌کردند. قدیمی‌ترین شواهد قلعه‌سازی در این منطقه به دوره‌ی مفرغ جدید یعنی نیمه اول

هزاره دوم پ.م. بر می‌گردد که در این مقاله به مطالعه "قلعه خسرو" به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قلعه‌های مرکزی دشت اردبیل با قلعه‌های اقماری پیرامونی‌اش می‌پردازیم.

### پیشینه‌ی تحقیق

نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ م. ژاک دمورگان در اطراف شهر نمین در چندین گورستان که دارای گورهای چهارچینه‌خرسنگی بودند، کاوش کرد و برای "گاوور قلعه‌سی" که در نزدیکی این شهر قرار داشت تاریخ مفرغ جدید را پیشنهاد نمود. گورستان‌های عصر مفرغ جدید که دمورگان در اطراف شهرستان نمین کاوش کرد، شامل گورهایی در کنار روستای: سولی‌دره، چیل‌خانه، و جالیک، لرداگی، چاقالادره، تاش کوپرو، حسن‌زمینی، خورخور، چیرچیر و چیرچیرپوری بودند (Demorgan, 1905: 267-305). گذشته از این مطالعات اولیه، در حوزه‌های نزدیک دشت اردبیل در پژوهش‌های "شیفر"، تاریخ‌های نزدیک به این دوره دیده می‌شود؛ وی با توجه به مهرهای سیلندری به‌دست آمده از گورستان‌های حسن‌زمینی و آق‌اولر و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های مشابه به‌دست آمده از بین‌النهرین تاریخ سده ۱۵ و ۱۴ پ.م. را برای این گورستان‌ها پیشنهاد داد (Schaeffer, 1948: 408). هیأت باستان‌شناسی آلمانی طی چندین فصل متمادی در سال‌های: ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۷۱، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ م. در مناطق مختلف آذربایجان شرقی و اردبیل (در مناطقی چون دشت: جلفا، مرند، تبریز، مراغه، میانه، سراب، اردبیل، گرمی، اهر و مشگین‌شهر) به بررسی باستان‌شناختی پرداخت (Kroll, 1984: 12-14). این هیأت نشان داد که گورهای چهارچینه‌خرسنگی مشخصه‌ی عصر مفرغ جدید به‌همراه قلعه‌های این دوره، در نواحی گسترده‌ای، شامل: مشگین‌شهر، گرمی و اهر پراکنده شده‌اند. گورستان‌های مشابهی در قسمت‌های مختلف دشت اردبیل به‌طور مثال در ۲۵ کیلومتری جنوب‌شرقی اردبیل در کنار روستای کرایول، در ۳۰ کیلومتری جنوب اردبیل در کنار روستای غورتیلمیش، در ۲۶ کیلومتری شمال‌غرب اردبیل در کنار جاده اردبیل به مشگین‌شهر، در کنار قلعه رویان‌دویا و در کنار روستای مرادلو در حدود ۱۱ کیلومتری جنوب صلوات، گزارش شده‌اند. اکثر این گورستان‌ها مورد دست‌برد حفاران غیرمجاز قرار گرفته است. تاریخ پیشنهادی این هیأت برای این گورستان‌ها، با توجه به داده‌های سفالی به‌دست آمده، عصر مفرغ جدید و آهن قدیم و میانی بود (Kleiss, 1969: 188-191). یکی از بزرگ‌ترین محوطه‌های گورستانی گزارش شده در حدود ۲۶ کیلومتری شمال‌غرب اردبیل به‌سوی مشگین‌شهر قرار گرفته است. جهت تدفین این گورها شمال‌شرقی به جنوب‌غربی و مشابه گورهای گورستان رویان‌دویا بوده و ابعاد آن‌ها متفاوت بوده و از  $۲/۲۰ \times ۱/۲۰$  تا  $۱/۸۰ \times ۴$  متر گزارش شده‌اند (Kleiss, 1972: 60). از نمونه‌های دیگر قلعه‌های عصر مفرغ جدید که در کنارشان گورستان مشخصه‌ی عصر مفرغ جدید وجود دارد، آق‌قلعه‌ی میرفتاح است که در ۴۴ کیلومتری شمال‌غرب اردبیل واقع شده است (Kleiss, 1972: 61-62). از جمله قلعه‌های خارج از استان اردبیل که توسط این هیأت شناسایی و مطالعه شد، می‌توان به قلعه سقندل در ۵ کیلومتری شرق ورزقان و همچنین به قلعه ساسان در ۵۰ کیلومتری جنوب آستارا، اشاره کرد (Kleiss, 1997: 187). در بررسی باستان‌شناختی ارتفاعات مشرف به دشت

آزارات و شیراک در حدود ۲۷ قلعه عصر مفرغ جدید شناسایی گردید. به‌طور کلی ایجاد این قلعه‌ها همگی نشان‌دهنده‌ی ظهور جوامع با ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی در این نواحی، به مرکزیت این قلعه‌ها است که نه تنها نابرابری‌های اجتماعی، بلکه ساختارهای حکومتی را نیز به همراه داشته است (Smith, 1998: 12). در ادامه اشاره خواهیم کرد که چرا باید چنین قلعه‌هایی ساخته می‌شدند و نقش ویژگی‌های خاص جغرافیایی و همچنین جغرافیای ناموزون حوزه شرقی شمال‌غرب در شکل‌گیری این محوطه‌ها چگونه بوده است.

"کفاداریان"<sup>۱</sup> از جمله اولین کسانی است که قلعه‌های قبل از دوره اورارتو را به‌صورت روشمند مورد مطالعه قرار داد. وی چهار مرحله تکاملی را برای این قلعه‌ها و قلعه‌های دوره مفرغ جدید برشمرده است. یکی از ویژگی‌هایی که وی برای این گونه قلعه‌ها به کار برده برای قلاع قدیمی‌تر این دوره است. به‌نظر وی، در اولین مرحله، قلعه‌هایی قرار دارند که دیوارهای دفاعی آن‌ها عموماً از سنگ‌های متوسط که بدون پرداخت است، ساخته شده و این دیوارها عموماً در مقطع خود دارای انحنا و پیچیدگی هستند. "اسمیت" علاوه‌بر ویژگی‌های فوق برای قدیمی‌ترین قلعه‌ها، ویژگی‌های دیگری را بر می‌شمرد، از جمله این که این قلعه‌ها عموماً در کنار پرتگاه‌های مشرف به رودخانه ساخته شده‌اند و راهی از درون قلعه به دره‌ای که رود در آن جریان دارد وجود دارد (Smith, 1998: 11-12).

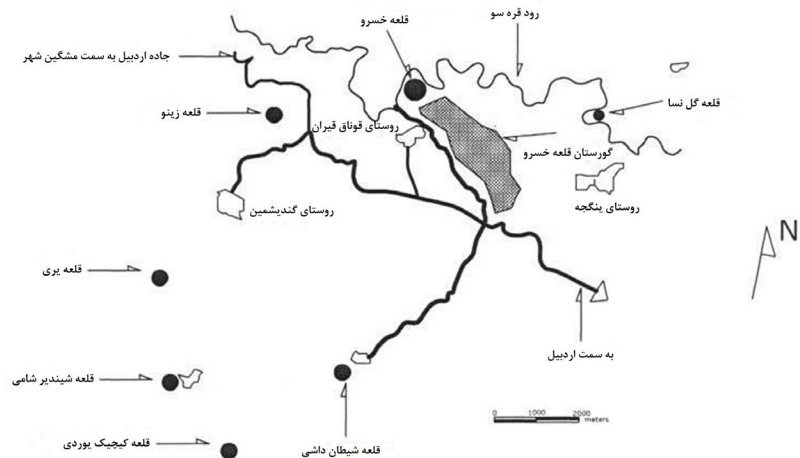
### محوطه‌ی قلعه خسرو

محوطه باستانی قلعه خسرو در فاصله ۲۸ کیلومتری شمال‌غربی شهر اردبیل و ۷۰۰ متری شمال روستای رویندرزوق (قوناق‌قیران)، در بخش گندیشمن از توابع شهرستان اردبیل قرار گرفته است. قلعه خسرو بر بالای کوه کم‌ارتفاع شوش‌داغی واقع شده است و رود قره‌سو از سه جهت: شمال، شمال‌شرقی و غرب، این کوه را در بر گرفته است. ارتفاع نوک قلعه‌ی شوش‌داغی از سطح دریاهای آزاد ۱۳۹۵ متر و از بستر رود قره‌سو در پای کوه ۱۳۵ متر است. جبهه‌ی شمالی شوش‌داغی به یک برآمدگی کوچکی منتهی می‌شود و این برآمدگی که وسعت کمی نیز دارد با شیب بسیار تندی که دسترسی به آن را مشکل می‌سازد، به رود قره‌سو منتهی می‌گردد. جبهه‌ی غربی کوه شوش‌داغی از نوک کوه تا دیوار دفاعی دارای شیب بسیار تندی بوده و از پایین دیوار به پرتگاه عمیقی که ارتفاع آن تا ۱۰ متر می‌رسد، ختم می‌شود. دامنه‌ی شرقی کوه نیز دارای شیب بسیار تندی بوده و این شیب تا حدود ۷۰ درجه است و به گونه‌ای است که به صورت یک دیواره‌ی صاف دسترسی به قلعه را تقریباً غیر ممکن می‌سازد. تنها در جبهه‌ی جنوبی و به‌خصوص جبهه‌ی جنوب‌شرقی است که کوه شوش‌داغی دارای شیب ملایمی بوده و دسترسی به قلعه را ممکن می‌سازد (نقشه ۱ و ۲ و تصاویر: ۱-۳).

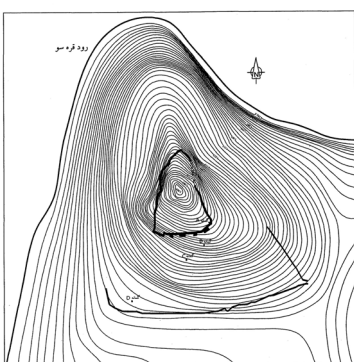
محوطه باستانی قلعه خسرو متشکل از دو قلعه و یک گورستان است. یکی از این قلعه‌ها بر بالای کوه شوش‌داغی واقع شده (قلعه عصر آهنی) و دیگری (قلعه عصر مفرغ جدید) که بزرگ‌تر بوده و قلعه‌ی اولی را نیز در بر می‌گیرد، تمامی کوه شوش‌داغی را در بر گرفته است. محوطه‌ی گورستان در قسمت جنوبی کوه شوش‌داغی واقع شده و در محوطه‌ی نسبتاً وسیعی گورهای آن پراکنده شده است.

1. Cafadarian

**نقشه ۱:** محوطه قلعه خسرو و قلاع اقماری، عوارض طبیعی و مصنوعی اطراف محوطه (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**تصویر ۱:** تصویر هوایی محوطه قلعه خسرو و عوارض طبیعی (Google Earth).



**نقشه ۲:** نقشه توپوگرافی محوطه قلعه خسرو (گمانه A در داخل قلعه عصر آهنی و سه گمانه دیگر در داخل قلعه عصر مفرغی ایجاد گردیده است)، (نگارندگان، ۱۳۸۴).

## قلعه‌ی شماره ۱

این قلعه بیشتر کوه شوش‌داغی را در بر گرفته و دارای وسعتی در حدود ۱۲/۵ هکتار است. شکل این قلعه با توجه به شکل و وضعیت کوه شوش‌داغی و شیب دامنه‌های آن مثلثی بوده و نوک مثلث به سمت شمال است. از دیوار دفاعی این قلعه چیز زیادی باقی‌نمانده است. در سمت شرقی و غربی، شیب تند دامنه‌ی کوه باعث فرو ریختن دیوار شده و در سمت جنوبی که شیب چندانی ندارد، عوامل انسانی باعث تخریب شده است؛ با توجه به گفته‌ی روستاییان به دلیل آسان بودن دسترسی به ضلع جنوبی قلعه و نزدیکی آن به جاده‌ی خاکی، سنگ‌های کار شده در این دیوار برای استفاده در ساخت خانه‌های روستا غارت شده است. از جمله دیگر

عوامل تخریب، می‌بایست به شکل ابتدایی ساخت این دیوار دفاعی اشاره کرد، بدین گونه که هیچ گونه سعی و کوششی در جهت ایجاد یک بستر مناسب برای قرار دادن پی دیوار نشده و پی دیوار دفاعی بر روی خاک و موازی با شیب دامنه‌ی کوه کار شده است. از دیوار دفاعی عصر مفرغ تنها بخش‌هایی در ضلع جنوبی باقی مانده است. با توجه به بخش‌های باقی مانده، می‌توان عنوان داشت که این دیوار بدون هیچ گونه پشتیبان و یا برج بوده و به دلیل این که با شیب زمین حرکت می‌کند، دارای قوس است. قطر دیوار ۲ متر بوده و دیوار با سنگ‌های متوسط و کوچک که هیچ پرداختی ندارند، به شیوه‌ی خشکه‌چین ساخته شده است. این سنگ‌ها از محل گردآوری شده‌اند (تصویر ۴).

درب ورودی قلعه به عرض ۶ متر در سمت جنوب شرقی قلعه قرار گرفته است. با توجه به این که دروازه‌ی قلعه‌ها از جمله نفوذ پذیرترین قسمت‌های قلعه است، به‌طور معمول سعی می‌شد تا دروازه‌ی قلعه، در قسمت‌هایی که امکان دسترسی آسان به آن‌ها وجود ندارد، ساخته شود. این قسمت‌ها شامل قسمت‌هایی نزدیک به شیب‌های تند و یا نزدیک لبه‌ی پرتگاه‌ها است؛ اما در این قلعه با توجه به این که قلعه‌سازی مراحل اولیه‌ی خود را طی می‌کرده، این اصل رعایت نشده و درب ورودی قلعه در قسمت جنوبی که نفوذ پذیرترین قسمت قلعه است، ساخته شده است (تصویر ۵). داده‌های سفالی به دست آمده از گمانه‌های کاوش شده (گمانه‌های: C، B و D) در این قلعه، اغلب مربوط به دوره مفرغ جدید است و مشخصات آن‌ها را می‌توان با محوطه‌های این دوره در شمال غرب مورد مقایسه قرار داد (ر.ک. به: رضالو، ۱۳۸۶)، (تصویر ۶؛ برای مقایسات صورت گرفته، ر.ک. به: جدول مشخصات سفالی). لایه‌های فوقانی این گمانه‌ها همگی استقرار عصر آهن را نیز نشان می‌دهند.

## قلعه شماره ۲

این قلعه در بالای کوه شوش‌داغی قرار گرفته و دارای مساحتی در حدود ۱۲۸۰۰ متر مربع است. شکل قلعه تقریباً به صورت یک مثلث متساوی‌الساقین است که رأس یا زاویه مقابل ضلع قاعده آن روبه شمال قرار دارد (ر.ک. به: نقشه ۲). ضلع جنوبی این قلعه در حدود ۱۱۸ متر و ضلع غربی ۱۷۰ متر و ضلع شرقی ۱۶۰ متر است. محوطه‌ی داخل قلعه که نوک قلعه‌ی شوش‌داغی را در بر می‌گیرد، به دلیل وجود صخره‌های بزرگ بر آمده‌ی قله کوه شوش‌داغی، یک محوطه‌ی ناهموار بوده و تنها در قسمت جنوبی است که به نظر تراس‌هایی برای ایجاد بناهای مختلف ایجاد شده است. روش احداث دیوار دفاعی قلعه بدین صورت بوده که جداره‌ی بیرونی و داخلی و به‌خصوص جداره‌ی بیرونی از سنگ‌های بزرگ که در برخی موارد یک‌رو تراش هستند، ساخته شده و از سنگ‌های متوسط و کوچک برای پر کردن فضای میان این دو جداره استفاده کرده‌اند. سنگ‌ها معمولاً به صورت افقی قرار داده شده و در برخی موارد سنگ‌های بزرگ را به صورت عمودی کار گذاشته‌اند. این کار به قدری استادانه انجام شده که هیچ فضای خالی بزرگی در داخل آن‌ها دیده نمی‌شود. دیوار دفاعی به شیوه‌ی خشکه‌چین کار شده و هیچ گونه شواهدی مبتنی بر استفاده از ملاط در ساخت دیوار دفاعی دیده نمی‌شود. نفوذپذیرترین قسمت



تصویر ۲: نمای جنوبی قلعه خسرو (نگارندگان، ۱۳۸۴).



تصویر ۳: نمای غربی قلعه خسرو (نگارندگان، ۱۳۸۴).

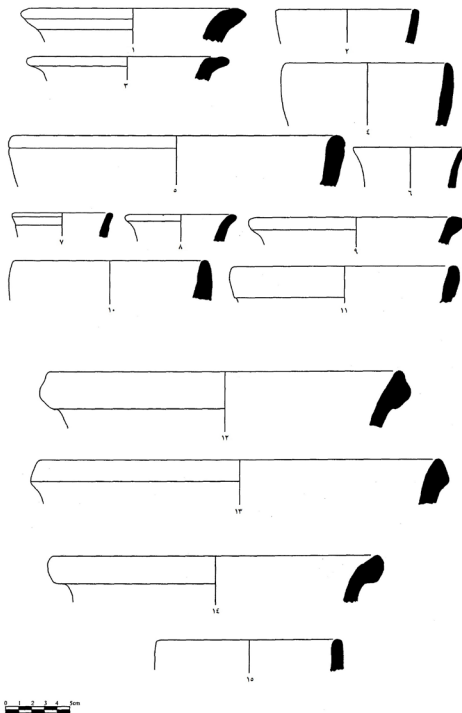


**تصویر ۴:** بقایای دیوار دفاعی قلعه عصر مفرغ (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**تصویر ۵:** دروازه ورودی قلعه عصر مفرغ (نگارندگان، ۱۳۸۴).

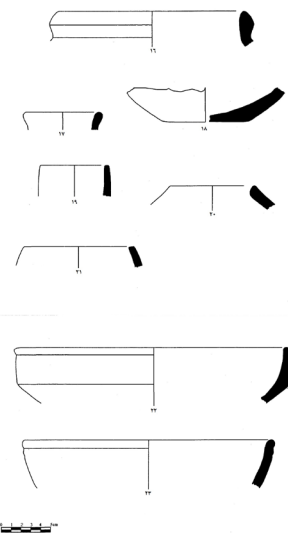
قلعه، ضلع جنوبی آن بوده، یعنی قسمتی که شیب دامنه کوه ملایم است؛ با توجه به نتایج به‌دست آمده از کاوش گمانه‌ی A که چسبیده به دیوار دفاعی و در ضلع جنوبی قلعه حفر گردید و اغلب حاوی سفال‌های عصر آهن I نیز بود (تصویر ۷)، ۶ لایه شناسایی گردید که براساس لایه‌نگاری، ۵ لایه فوقانی که مربوط به استقرار عصر آهن بودند، بر روی لایه تختانی که متعلق به عصر مفرغ جدید بود، شکل گرفته بودند (ر.ک. به: رضالو، ۱۳۸۶: ۲۵۵). در این جا مشخص شد که قطر دیوار در این قسمت در حدود ۴/۳۰ متر بود. این در حالی است که در قسمت‌های شرقی و شمالی قلعه به‌دلیل وجود شیب تند دامنه‌ی کوه و وجود پرتگاه (به‌عنوان عوامل طبیعی دفاعی) قطر دیوار دفاعی در حدود ۲ متر است. هیچ‌گونه فعالیت‌ی مبنی بر ایجاد تراس و یا برش در صخره‌های طبیعی دامنه‌ی کوه به‌منظور ایجاد پی برای ساخت دیوار دفاعی دیده نمی‌شود و دیوار دفاعی بر روی شیب طبیعی دامنه و در راستای این شیب طبیعی ایجاد شده است. در برخی قسمت‌ها به‌طور مثال: در قسمت غربی، دیوار دفاعی بر روی صخره‌های طبیعی و بر روی لبه‌ی پرتگاه ساخته شده است، در این قسمت ارتفاع پرتگاه تا حدود ۱۰ متر می‌رسد. هم‌چنین در قسمت جنوب‌غربی قلعه در راستای حرکت دیوار دفاعی در لبه‌ی پرتگاه، یک فضای چهار گوش کوچک نیز ایجاد شده است. به‌طور کلی شکل کلی قلعه به تأثیر از هندسه و توپوگرافی محل ساخته شده است. در ضلع جنوبی، به‌منظور استحکام بیشتر، چهار پشتیبان ایجاد شده است. پلان و ابعاد هیچ‌یک از این پشتیبان‌ها شبیه به یک‌دیگر نیست؛ طول اولین پشتیبان از سمت جنوب‌غربی که شکل آن تقریباً شبیه به دوزنقه است، ۶ متر و عرض ضلع بزرگ‌تر آن از جداره‌ی خارجی دیوار دفاعی ۷ متر و ضلع کوچک‌تر آن ۵/۴ متر است؛ دومین پشتیبان نیز تقریباً



**تصویر ۶:** سفال‌های به‌دست آمده از گمانه‌های کاوش شده در قلعه‌ی عصر مفرغ جدید (نگارندگان، ۱۳۸۴).



به شکل دوزنقه بوده و طول آن ۱۲ متر و عرض آن که در وسط پشتیبان بیشتر از دو گوشه‌ی آن است، ۵ متر و در کناره‌ها ۴/۵ متر است؛ پشتیبان سوم نیز به شکل دوزنقه بوده و طول آن ۶ متر و عرض بزرگ آن نیز ۶ متر و عرض کوچک آن ۵/۵ متر است؛ پشتیبان چهارم که در گوشه‌ی جنوب‌شرقی قلعه قرار دارد نیز تقریباً به شکل دوزنقه بوده و طول آن ۱۲ متر و عرض ضلع بزرگ‌تر آن ۷ متر و عرض ضلع کوچک‌تر آن ۴/۵ متر از جداره بیرونی دیوار دفاعی است. فواصل پشتیبان‌ها از یک‌دیگر دارای نظم خاصی نیست، به‌طوری‌که فاصله‌ی پشتیبان اول از سمت جنوب‌غربی با پشتیبان دوم ۱۳ متر، پشتیبان دوم از پشتیبان سوم ۱۸ متر و پشتیبان سوم از پشتیبان چهارم ۱۵ متر تعبیه شده است. در زاویه‌ی جنوب‌غربی مثلث به دلیل این که دیوار دفاعی را بر روی لبه‌ی پرتگاه ایجاد کرده‌اند، بیرون آمدگی توده‌های صخره‌ای یک‌پارچه‌ی دامنه‌ی کوه، باعث شده تا یک فضای مستطیل شکل ایجاد گردد. دیوار دفاعی با وجود این که بر روی شیب دامنه‌ی کوه حرکت نموده، صاف است. دیوار غربی به دلیل این که بر روی لبه‌ی پرتگاه حرکت کرده است، دارای شکستگی‌های زیادی بوده؛ اما دیوارهای شرقی و جنوبی دارای شکستگی کمی است. هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر استفاده از خشت بر بالای شالوده‌ی سنگی، چه در گمانه‌زنی و چه به‌صورت پشته‌ها و تراس‌هایی که در اثر ریزش خشت دیوار دفاعی ایجاد شده‌اند، دیده نشد. در اطراف قلعه و در دامنه‌ی کوه شوش‌داغی قطعه سنگ‌های بزرگ و کوچک بسیار زیادی دیده می‌شود که به‌نظر می‌رسد از دیوار دفاعی قلعه به پایین ریخته شده‌اند. بیشترین ارتفاع باقی‌مانده از دیوار دفاعی را می‌توان در برج چهارم مشاهده نمود که تقریباً به ارتفاع ۲ متر است. به‌نظر می‌رسد که تمامی دیوار دفاعی از سنگ ساخته شده، و با توجه به سنگ‌های ریخته شده در پایین دیوار و دامنه‌ی کوه و هم‌چنین ارتفاع باقی‌مانده‌ی برج چهارم می‌توان عنوان داشت که ارتفاع دیوار دفاعی بیش از ۳ متر بوده است. درب ورودی در شمال قلعه قرار گرفته و تقریباً رأس مثلث را شامل می‌شود. عرض دروازه ۲/۵ متر و طول آن نیز ۳ متر است. درب ورودی قلعه از دو گوشه به سمت درون قلعه به عرض ۱ متر و طول ۱/۵ متر ادامه داده شده و در دو طرف ورودی، پشتیبان‌های کوچکی را ایجاد کرده است. برای ساخت دیواره‌ی دروازه از سنگ‌های بزرگ و حجیم که در برخی موارد یک‌تیر هستند، استفاده شده است (تصاویر: ۸ و ۹). برای دسترسی به این دروازه می‌بایست از دره‌ای که رود قره‌سو در آن جریان دارد به بالا صعود نمود. این قسمت از دامنه‌ی کوه شوش‌داغی دارای شیب بسیار تندی است. انتخاب درب ورودی در این قسمت که امکان دسترسی آسان ندارد، به‌صورت هدف‌مند بوده است. در داخل قلعه آثار و نشانه‌های پی‌اتاق‌ها که دارای نظم خاصی نیستند وجود دارد. به‌خصوص در قسمت جنوبی و نزدیک قلعه‌ی کوه شوش‌داغی، نشانه‌هایی مبتنی بر ایجاد تراس و ساخت تالاری بر روی آن دیده می‌شود. هم‌چنین در قسمت خارج از محوطه‌ی قلعه یعنی دامنه‌ی جنوبی کوه شوش‌داغی نیز آثار و نشانه‌های مبتنی بر وجود بناهای مسکونی مردمان عادی در حجم گسترده‌ای دیده می‌شود.



**تصویر ۷:** سفال‌های عصر آهنی به‌دست آمده از کاوش گمانه‌ی A در قلعه عصر آهنی (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**تصویر ۸:** بقایای دیوار دفاعی قلعه عصر آهنی I (نگارندگان، ۱۳۸۴).

### قلعه‌های اقماری پیرامون قلعه خسرو

**قلعه زینو:** این قلعه بر بالای کوهی نه چندان بلند و به فاصله‌ی ۳۴۲۸ متری در

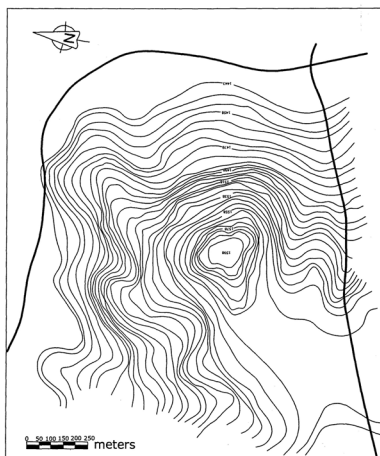




**تصویر ۹:** بقایای دیوار پشتیبان قلعه عصر آهن I (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**تصویر ۱۰:** نمای کلی از قلعه زینو (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**نقشه ۳:** نقشه توپوگرافی قلعه زینو (نگارندگان، ۱۳۸۴).

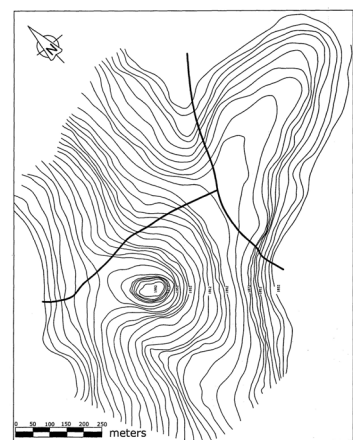
غرب قلعه خسرو، در ارتفاع ۱۵۶۹ متری از سطح دریا و ۷۱ متری زمین‌های اطراف قرار گرفته است. کوهی که قلعه زینو بر روی آن قرار گرفته است به هیچ کوه دیگری متصل نبوده و از فواصل دور قابل رویت است. این کوه از سمت شرقی، جنوبی و شمالی دارای شیب بسیار تندی بوده و دسترسی به بالای قلعه را بسیار دشوار می‌سازد، اما در سمت غربی دارای شیب نسبتاً ملایمی بوده و به‌نظر راه ارتباطی محوطه از این سمت بوده است (تصویر: ۱۰ و نقشه ۳). دو نکته‌ی مهم در مورد این قلعه حائز اهمیت است؛ اولی: وجود نوعی سنگ عقیق سبز رنگ در داخل سنگ‌های قلعه و دیگری: فاصله اندک این قلعه با قلعه مرکزی در مقایسه با سایر قلعه‌هاست؛ به‌خاطر همین فاصله اندک، اطلاق کاربری نظامی برای آن کمی غیر معقول به‌نظر می‌رسد. راه ارتباطی قدیم مشکین‌شهر به اردبیل از پای این کوه عبور می‌کرده است؛ متأسفانه به‌دلیل بهره‌برداری و استخراج این سنگ عقیق در سال‌های اخیر، سطح محوطه بسیار آشفته شده و وضعیت سیستم‌های دفاعی قلعه مبهم است. داده‌های سطحی شامل: سفال‌های خاکستری، سیاه، قرمز و قهوه‌ای است. با توجه به داده‌های سطحی استقرار در این محوطه مربوط به دوره‌های مفرغ جدید و آهن است (تصویر ۱۲، سفال‌های شماره‌ی: ۳۰-۲۴). در سمت شرقی محوطه و به فاصله‌ی حدود ۲۰۰ متری از قلعه، گورستان کوچکی وجود دارد. گورهای این گورستان از نوع گورهای چهارچینه‌سنگی با سنگ‌چین مدور در اطراف گورها است.

**قلعه شیندیرشامی:** این قلعه بر روی یک کوه نه‌چندان بلند در شمال روستای شیندیرشامی و در فاصله‌ی ۹۳۵۷ متری قلعه خسرو قرار دارد. ارتفاع نوک قلعه‌ی کوه شیندیرشامی از سطح دریاهای آزاد ۱۹۹۲ متر و از سطح زمین‌های اطراف ۱۶۲ متر است. جبهه‌ی جنوبی و شرقی کوه شیندیرشامی دارای شیب بسیار تندی بوده و دامنه‌ی شمالی دارای شیب نه‌چندان تندی است. تنها در جبهه‌ی غربی است که کوه شیندیرشامی دارای شیب ملایمی بوده و دسترسی به قلعه را ممکن می‌سازد (تصویر: ۱۱ و نقشه ۴). این قلعه دارای وسعت چندان زیادی نیست و وسعت آن در حدود ۰/۴ هکتار است. به‌دلایل مختلف، از جمله کشاورزی، دیوار دفاعی صدمات زیادی دیده و تنها بخش‌هایی از دیوار دفاعی در قسمت غربی محوطه باقی‌مانده است. عرض دیوار با توجه به قسمت‌های باقی‌مانده در حدود ۳ متر بوده و به شیوه‌ی خشکه‌چین با سنگ‌های متوسط در دو جداره‌ی درونی و بیرونی که هیچ‌گونه پرداختی بر روی آن‌ها صورت نگرفته و با سنگ‌های کوچک در میان دیوار کار شده است. سفال‌های سطحی در رنگ‌های: خاکستری، سیاه، سفال‌های نخودی، قهوه‌ای و قرمز است (تصویر ۱۲: سفال‌های شماره‌ی: ۳۸-۳۱). تاریخی که می‌توان با توجه به داده‌های سطحی و مقایسه آن‌ها با سایر محوطه‌های شمال غرب، برای این محوطه پیشنهاد کرد، عصر مفرغ جدید و آهن است (ر.ک. به: جدول سفالی انتهای مقاله). در قسمت‌های شرقی، غربی و شمالی قلعه، گورستان کوچکی که گورهای آن از نوع گورهای چهارچینه‌سنگی با سنگ‌چین مدور دور گورها (گورهای شاخصه‌ی عصر مفرغ جدید) است دیده می‌شود.

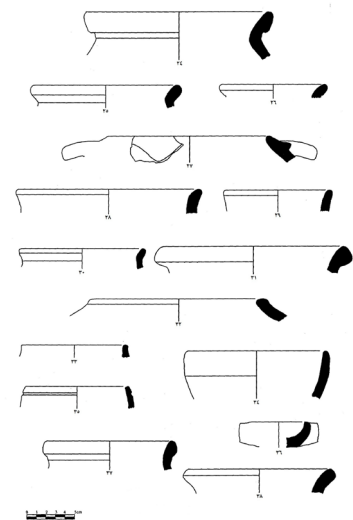
**قلعه کیچیک‌یوردی:** این قلعه بر روی یک تپه‌ی بلند طبیعی در دامنه‌های سبلان قرار گرفته است. رأس تپه از یک توده‌ی سنگی از سنگ‌های آذرین به صورت یک پارچه تشکیل یافته است. جبهه‌ی شرقی، غربی و جنوبی تپه با شیب بسیار تندی که دسترسی به آن را مشکل می‌سازد، به دره‌های اطراف منتهی می‌شود. تنها در جبهه‌ی شمالی است که تپه دارای شیب ملایمی بوده و دسترسی به قلعه را ممکن می‌سازد و به نظر، مسیرهای ارتباطی قلعه از این طریق بوده است. این قلعه دارای وسعت چندان زیادی نیست و وسعت آن در حدود ۰/۶ هکتار است. در این قلعه نیز به دلایل مختلف از جمله کشاورزی، دیوار دفاعی صدمات زیادی دیده و تنها بخش‌هایی از دیوار دفاعی در قسمت شمالی محوطه باقی مانده است. عرض دیوار با توجه به قسمت‌های باقی مانده در حدود ۲/۲ متر است که به شیوه‌ی خشکه‌چین با سنگ‌های متوسط در دو جداره‌ی درونی و بیرونی که هیچ‌گونه پرداختی بر روی آن‌ها صورت نگرفته است، با سنگ‌های کوچک در میان دیوار کار شده است. هم‌چنین در درون محوطه‌ی قلعه آثار و نشانه‌های رد پی‌های سنگی مربوط به اتاق‌ها و منازل مسکونی قابل مشاهده است (تصویر: ۱۳ و نقشه ۵). سفال‌های سطحی در رنگ‌های: خاکستری، قهوه‌ای، نخودی و قرمز است (تصویر ۱۵: سفال‌های شماره‌ی: ۴۷-۳۹). تاریخی که می‌توان با توجه به داده‌های سطحی برای این محوطه پیشنهاد کرد، عصر مفرغ جدید و آهن است. در قسمت‌های شمال شرقی قلعه کیچیک‌یوردی گورستان کوچکی که گورهای آن از نوع گورهای چهارچینه‌ی خرسنگی با سنگ‌چین مدور دور گورها (گورهای شاخصه‌ی عصر مفرغ جدید) است، دیده می‌شود. از جمله‌ی ویژگی‌های گورستان کیچیک‌یوردی، وجود سنگ‌های افراشته‌ای در کنار یکی از گورها است. این گورستان نیز در نتیجه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و حفاری‌های غیرمجاز آسیب فراوانی دیده است. فاصله‌ی قلعه کیچیک‌یوردی از قلعه‌خسرو ۹۵۷۱ متر است.



**تصویر ۱۱:** نمایی از قلعه شیندیر شامی (نگارنگان، ۱۳۸۴).



**نقشه ۴:** نقشه توپوگرافی قلعه شیندیر شامی (نگارنگان، ۱۳۸۴).



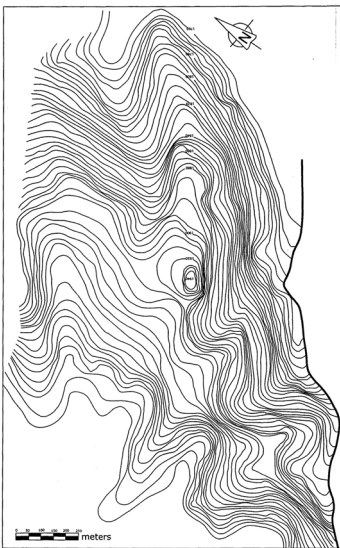
**قلعه شیطان‌دانشی:** این قلعه بر روی یک تپه‌ی نه‌چندان بلند طبیعی در سمت جنوبی و در حدود ۴۰۰ متری روستای شیخ‌احمد قرار گرفته است. ارتفاع رأس تپه‌ای که قلعه بر روی آن قرار گرفته، از سطح آب‌های آزاد ۱۶۰۶ متر و از سطح زمین‌های اطراف ۴۳ متر است. از جانب شمالی این قلعه، رود کوچک شیخ‌احمدچایی جاری است. جبهه‌ی شرقی، غربی و شمالی تپه دارای شیب نسبتاً تندی که دسترسی به آن را مشکل می‌سازد، است. این قلعه وسعت چندان زیادی نداشته و وسعت آن در حدود ۰/۵ هکتار است (تصویر: ۱۴ و نقشه ۶). در این قلعه نیز به دلایل مختلف از جمله کشاورزی، دیوار دفاعی صدمات زیادی دیده و تنها بخش‌هایی از دیوار دفاعی در قسمت‌های: جنوبی، شرقی و غربی محوطه باقی مانده است. عرض دیوار با توجه به قسمت‌های باقی مانده در حدود ۲ متر بوده که به شیوه‌ی خشکه‌چین با سنگ‌های متوسط رودخانه‌ای در دو جداره‌ی درونی و بیرونی، با سنگ‌های کوچک در میان دیوار، کار شده است؛ هم‌چنین در درون محوطه‌ی قلعه آثار و نشانه‌های رد پی‌های سنگی مربوط به بناهای مسکونی قابل مشاهده است. سفال‌های سطحی شامل سفال‌هایی در رنگ‌های: خاکستری، قهوه‌ای، نخودی و قرمز و سفال‌های لعابدار اسلامی است (تصویر: ۱۵، سفال‌های شماره‌ی: ۵۴-۴۸).

**تصویر ۱۲:** سفال‌های عصر مفرغ جدید و آهن I بدست آمده از قلعه زینو (۳۰-۲۴) و شیندیرشامی (شماره‌های: ۳۸-۳۱) (نگارنگان، ۱۳۸۴).



تاریخی که می‌توان با توجه به داده‌های سطحی برای این محوطه پیشنهاد کرد عصر مفرغ جدید، آهن، تاریخی و سده‌های ۷ و ۸ هجری است. در قسمت‌های جنوب‌شرقی قلعه‌ی شیطان‌داشی و به فاصله‌ی حدود ۱ کیلومتری از آن گورستان کوچکی که گورهای آن از نوع گورهای چهارچینه‌ی خرسنگی با سنگ‌چین مدور دور گورها (گورهای شاخصه‌ی عصر مفرغ جدید) است دیده می‌شود. فاصله‌ی قلعه شیطان‌داشی از قلعه‌خسرو ۷۲۱۴ متر است.

**تصویر ۱۳:** نمایی از بقایای دیوار دفاعی قلعه کیچیک یوردی (نگارندگان، ۱۳۸۴).



**قلعه گل نسا:** این قلعه بر روی یک کوه نه چندان بلند طبیعی در کنار رود قره‌سو و در جانب شمالی آن قرار گرفته است. رود قره‌سو از جانب جنوبی این قلعه جاری است. رأس کوه، متشکل از یک توده‌ی سنگی از سنگ‌های آذرین به‌صورت یک‌پارچه بوده و وسعت چندانی نیز ندارد. ارتفاع نوک قلعه‌ی کوه از سطح آب‌های آزاد ۱۳۹۹ متر و از کف بستر رود قره‌سو در پای کوه ۱۳۲ متر است. جبهه‌ی جنوبی کوه با شیب بسیار تندی که در برخی نواحی به‌شکل پرتگاه است و دسترسی به بالای کوه را غیرممکن می‌سازد، به رود قره‌سو منتهی می‌شود. جبهه‌ی غربی و شمالی کوه نیز دارای شیب نسبتاً تندی بوده و دسترسی به بالای کوه را مشکل می‌سازد. تنها در جبهه‌ی شرقی است که کوه دارای شیب ملایمی بوده و دسترسی به قلعه را ممکن می‌سازد. این قلعه وسعت چندان زیادی نداشته و وسعت آن در حدود ۰/۵ هکتار است (تصویر: ۱۶ و نقشه ۷).

در قسمت شرقی قلعه که نفوذپذیرترین قسمت قلعه نیز است، بخش‌هایی از دیوار دفاعی قلعه باقی‌مانده که عرض آن با توجه به قسمت‌های باقی‌مانده در حدود ۲/۵ متر بوده که به شیوه‌ی خشکه‌چین با سنگ‌های بزرگ و متوسط در دو جداره‌ی درونی و بیرونی که بعضاً به شیوه‌ی یک‌رو تراش پرداخت شده‌اند و با سنگ‌های کوچک در میان آن‌ها پر شده، کار شده است. هم‌چنین در درون محوطه‌ی قلعه، آثار و نشانه‌های ردی‌های سنگی مربوط به اتاق‌ها و منازل مسکونی قابل مشاهده است. سفال‌های سطحی در رنگ‌های: خاکستری، قهوه‌ای، نخودی و قرمز است (تصویر: ۱۸، سفال‌های شماره‌ی: ۶۶-۵۵). تاریخی که می‌توان با توجه به داده‌های سطحی برای این محوطه پیشنهاد کرد، عصر مفرغ جدید و آهن است (ر.ک. به: فرم مشخصات سفالی و مقایسات صورت گرفته). در قسمت شرقی قلعه گل نسا گورستان کوچکی که گورهای آن از نوع گورهای چهارچینه‌ی خرسنگی با سنگ‌چین مدور دور گورها (گورهای شاخصه‌ی عصر مفرغ جدید) است دیده می‌شود. فاصله‌ی قلعه گل نسا از قلعه‌خسرو ۴۵۰۰ متر است.

**نقشه ۵:** نقشه توپوگرافی قلعه کیچیک یوردی (نگارندگان، ۱۳۸۴).

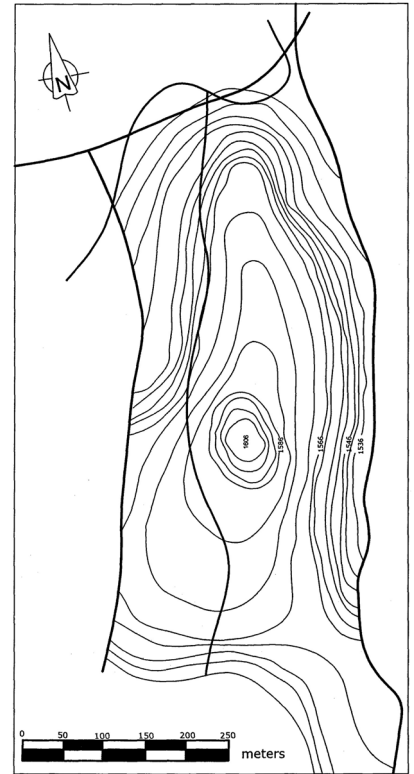


**قلعه یری:** این قلعه بر روی یک کوه نه چندان بلند طبیعی در حدود ۵ کیلومتری روستای گندیشمین در دامنه‌های سبلان قرار گرفته است. رأس تپه از یک توده‌ی سنگی از سنگ‌های آذرین به‌صورت یک‌پارچه تشکیل یافته است. جبهه‌ی شمالی، شرقی و غربی تپه با شیب بسیار تندی که دسترسی به آن را مشکل می‌سازد، به دره‌های اطراف منتهی می‌شود و تنها در جبهه‌ی جنوبی است که تپه دارای شیب ملایمی بوده و دسترسی به قلعه را ممکن می‌سازد. این قلعه وسعت چندان زیادی نداشته و وسعت آن در حدود ۰/۳ هکتار است (تصویر ۱۷ و نقشه ۸). در این قلعه

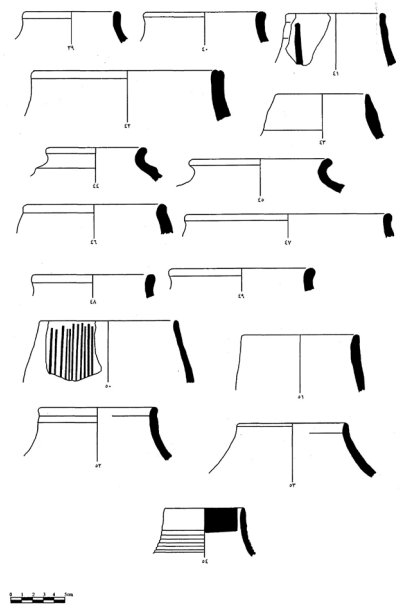
**تصویر ۱۴:** نمایی از قلعه شیطان‌داشی (نگارندگان، ۱۳۸۴).

نیز به دلایل مختلف از جمله کشاورزی، دیوار دفاعی صدمات زیادی دیده و تنها بخش‌هایی از دیوار دفاعی در قسمت جنوبی محوطه باقی مانده است. عرض دیوار با توجه به قسمت‌های باقی مانده در حدود ۳/۷ متر بوده که به شیوه‌ی خشکه‌چین با سنگ‌های متوسط در دو جداره‌ی درونی و برونی که هیچ‌گونه پرداختی بر روی آن‌ها صورت نگرفته، با سنگ‌های کوچک در میان دیوار کار شده است. سفال‌های سطحی در رنگ‌های خاکستری و سفال‌های قهوه‌ای، نخودی و قرمز است. تاریخی که می‌توان با توجه به داده‌های سطحی برای این محوطه پیشنهاد کرد، عصر مفرغ جدید و آهن است (تصویر: ۱۸، سفال‌های شماره‌ی: ۷۸-۶۷). در قسمت جنوبی محوطه‌ی قلعه‌ی گورستان کوچکی که گورهای آن از نوع گورهای چهارچینه‌ی خرسنگی با سنگ چین مدور دور گورها (گورهای شاخصه‌ی عصر مفرغ جدید) است، دیده می‌شود. فاصله‌ی قلعه‌ی گورستان از قلعه‌ی خسرو ۷۷۱۴ متر است.

وجود قلعه‌ها و گورستان‌های زیاد در دشت اردبیل بی‌ارتباط با جغرافیای خاص این منطقه نیست. در حوزه شرقی شمال غرب ایران، دشت‌های پهناور و رودهای آرام که استعداد پذیرش بی‌تنش گروه‌های متعدد انسانی را در حواشی خود داشته باشند، دیده نمی‌شود. این جغرافیا پذیرای واحدهای بزرگ انسانی نیست. کمبود امکانات در چنین اقلیمی به سرعت تنازع را در روند جست‌وجوی محیط زیست ناگزیر می‌کند و سازمان‌دهی دفاع در هر مرکز تجمع ضروری می‌شود. با ورود اقوام جدید به این جغرافیا، مردمان ساکن به فکر دفاع از مناطق تحت اختیار خویش می‌افتند، چون منابع کافی ندارند که در اختیار مردمان سرگردان مهاجر بگذارند یا آن‌ها را در منابع محدود خود شریک گردانند. در این هنگام است که اولین ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی در حوزه شرقی شمال غرب ایران شکل می‌گیرند. به همان اندازه که تدارک دفاع، ضرورت واحدهای متمرکز در چنین جغرافیایی است، تهاجم نیز برای واحدهای سرگردان که محدوده‌ی مناسبی برای توقف نمی‌یابند، تنها شیوه ممکن برای اسکان است. نقطه پایانی این روند غیرطبیعی و غیرقابل ادامه، تسلط یک واحد بر واحدهای همسایه و تمرکز تمام نیروهای یک قبیله، سپس یک قوم برای سازمان‌دهی دفاع جمعی و تقسیم عمومی‌تر منابع است و تنها بدین شیوه می‌توانیم وجود قلعه‌های مرکزی بزرگ را در این حوزه توجیه کنیم. در این هنگام در اثر تهاجمات زیاد و کمبود منابع، واحد مرکزی نیاز به تحت نظر گرفتن و به اختیار در آوردن منابع بیشتری است، به دلیل این که خود نمی‌تواند به حد مطلوب بر مناطق دور دست نظارت داشته باشد، مجبور به ایجاد عمدی یک‌سری مراکز جانبی است و یا خودبه‌خود این مراکز اقماری کوچک برای بقای خویش تشکیل می‌شوند. شاید بتوانیم به روش دیگر ایجاد این قلعه‌های اقماری را توجیه کنیم. مرکز و قلعه‌ی اصلی هر اندازه هم بزرگ بوده باشد که بتواند پذیرای حفظ مردمان بومی از گزند مهاجران سرگردان باشد، باز نمی‌توانسته جواب‌گوی اسکان بیش از اندازه ظرفیت خود باشد؛ به همین خاطر در فواصل معین از این مرکز اصلی، مراکزی فرعی که تحت حمایت قلعه مرکزی بودند، ایجاد می‌گردد. به نظر منطقی می‌آید که این قلاع فرعی، تحت حمایت مرکز اصلی، وظیفه‌ی حفظ حدود و ثغور این مرکز را به عهده بگیرند و این که از ورود گروه‌های مهاجر کوچک‌تر که منابع جغرافیایی و از آن مهم‌تر جان و مال مردم بومی را به خطر می‌انداختند، جلوگیری به عمل آورند.



نقشه ۶: نقشه توپوگرافی قلعه شیطان‌داسی (نگارندگان، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۵: سفال‌های عصر مفرغ جدید و آهن I قلعه‌های کیچیک یوردی (شماره‌های: ۴۷-۳۹) و شیطان‌داسی (شماره‌های: ۵۴-۴۸)، (نگارندگان، ۱۳۸۴).



0 50 100 150 200 250 meters

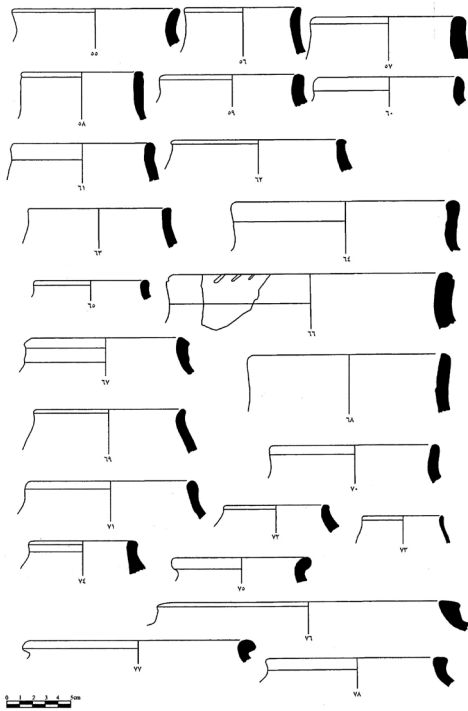
نقشه ۷: نقشه توپوگرافی قلعه گل نسا (نگارندگان، ۱۳۸۴).



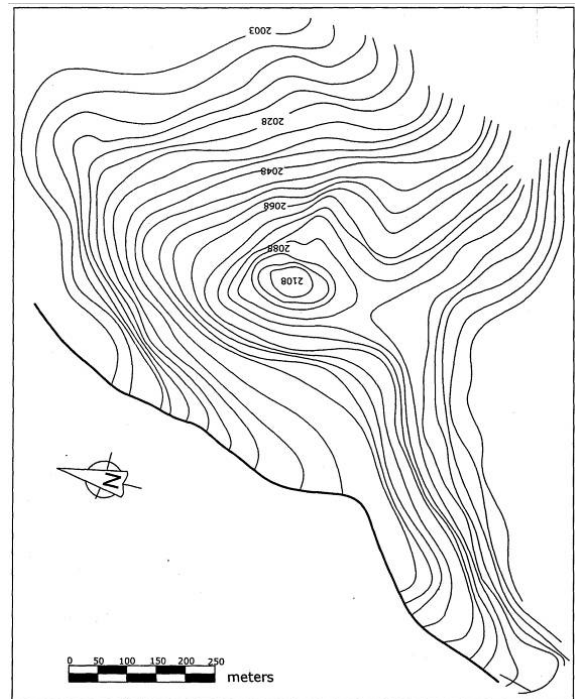
تصویر ۱۶: نمایی از قلعه گل نسا (نگارندگان، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۷: بقایای دیوار دفاعی قلعه‌یری (نگارندگان، ۱۳۸۴).



تصویر ۱۸: سفال‌های عصر مفرغ جدید و آهن I قلعه‌های گل نسا (۵۵-۶۶) و یری (شماره‌های: ۶۷-۷۸)، (نگارندگان، ۱۳۸۴).



نقشه ۸: نقشه توپوگرافی قلعه یری (نگارندگان، ۱۳۸۴).

جدول ۱: مشخصات فرم‌های سفالی و مقایسات گاهنگاری آن‌ها

شماره سفال	نوع ساخت	ماده چسباننده	کیفیت سطح درون	کیفیت سطح بیرون	رنگ سطح بیرونی	رنگ سطح درونی	پوشش و پرداخت سطح بیرون	پوشش و پرداخت سطح درون	محوطه قابل مقایسه	منبع
۱	دست ساز	مواد گیاهی	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	-	-	IV دینخواه	Hamlin 1974: fig III, 29
۲	دست ساز	ماسه متوسط	ظریف	ظریف	آلویی	آلویی	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	I شاه تختی	Seydov 2003: Sekil55,6 & Sekil 42,4
۳	دست ساز	ماسه ریز	کمی ظریف	متوسط	دارچینی	دارچینی	گلی رقیق	صیقل جزئی	VIB هفتوان IV دینخواه	Edward 1983: fig 95,9 Hamlin 1974: fig II,B
۴	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی رقیق	گلی رقیق	C کوی تپه	Brown 1951: fig 32,402
۵	چرخ ساز	ماسه ریز	متوسط	ظریف	قهوه ای	قهوه ای	صیقل جزئی	صیقل جزئی	VIB هفتوان متجوقلی تپه	Edward 1983: fig 95,9 Seydov 2003: Sekil70,19
۶	چرخ ساز	ماسه ریز	ظریف	ظریف	آلویی	آلویی	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	VIB هفتوان	Edward 1983: fig 77,6
۷	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	دارچینی	دارچینی	گلی رقیق	گلی رقیق	VIB هفتوان	Edward 1983: fig 79,4
۸	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	آجری	آجری	گلی رقیق	گلی رقیق	متجوقلی تپه	Seydov 2003: sekil70,43
۹	دست ساز	ماسه ریز	کمی ظریف	کمی ظریف	بز	بز	صیقل جزئی	صیقل جزئی	بی احمد	Seydov 2003: sekil66,25
۱۰	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی غلیظ	گلی رقیق	VIB هفتوان	Edward 1983: fig 81,13
۱۱	دست ساز	ماسه متوسط	خشن	متوسط	دارچینی	دارچینی	گلی رقیق	گلی رقیق	-	-
۱۲	دست ساز	ماسه ریز	کمی ظریف	کمی ظریف	دارچینی	دارچینی	صیقل	صیقل	VIB هفتوان	Edward 1983: fig 93,4
۱۳	چرخ ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی رقیق	گلی رقیق	VIB هفتوان	Edward 1983: fig 93,2
۱۴	دست ساز	ماسه درشت	خشن	خشن	دارچینی	دارچینی	گلی رقیق	گلی رقیق	-	-
۱۵	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	دارچینی	دارچینی	گلی رقیق	گلی رقیق	IV دینخواه VIB هفتوان IV دینخواه	Rubinson 1991: fig28,ل Edward 1983: fig 83,7 Hamlin 1974: fig IV,32
۱۶	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	بز و سیاه	بز	گلی رقیق	گلی رقیق	-	-
۱۷	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای	دارچینی	صیقل	صیقل	-	-
۱۸	دست ساز	ماسه متوسط	ظریف	ظریف	آجری	آجری	صیقل	صیقل	زیوه	Seydov 2003: sekil 61,3
۱۹	چرخ ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قرمز	قرمز	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	کولانی VIB هفتوان	Seydov 2003: sekil 52,17 Edward 1983: fig 79,7
۲۰	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای و سیاه	قهوه ای	صیقل	صیقل	V هفتوان کولانی	G مطالبی: ۱۳۸۴: شکل ۷- Seydov 2003: sekil 62,15
۲۱	چرخ ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	دارچینی	دارچینی	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	V هفتوان اوغلان قلعه	FF مطالبی: ۱۳۸۴: شکل ۱- Seydov 2003: sekil 62,15
۲۲	دست ساز	ماسه ریز	ظریف	ظریف	قرمز	قرمز	صیقل	گلی رقیق	IV کردار تپه	Lipert 1979: ABB 5-6
۲۳	دست ساز	ماسه متوسط	ظریف	ظریف	آلویی	قرمز	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	بابا تپه	Seydov 2003: sekil 61,10
۲۴	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی رقیق	گلی رقیق	متجوقلی تپه	Seydov 2003: sekil 70,7
۲۵	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	آجری	آجری	گلی رقیق	گلی رقیق	V هفتوان IV کردار اوغلان قلعه VIB هفتوان	اطالایی: ۱۳۸۴: شکل ۸- Lipert 1979: ABB 10,1 Seydov 2003: sekil 54,4 Edward 1983: fig 107,24
۲۶	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	خاکستری تیره	خاکستری تیره	گلی رقیق	گلی رقیق	یورتجو کولانی	Seydov 2003: sekil 60,11 & Sekil62,16
۲۷	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	خاکستری تیره روشن	خاکستری تیره روشن	گلی رقیق	گلی رقیق	-	-
۲۸	دست ساز	ماسه متوسط	کمی ظریف	متوسط	خاکستری روشن	خاکستری روشن	صیقل	گلی رقیق	III دینخواه آشاه تختی	Muscarella 1975: fig 11,903 Seydov 2003: sekil 56,4
۲۹	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	خاکستری تیره	خاکستری تیره	گلی رقیق	گلی رقیق	اوغلان قلعه زیوه VIB هفتوان	Seydov 2003: sekil 54,14 & Sekil61,3 Edward 1983: fig 131,1
۳۰	چرخ ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی رقیق	گلی رقیق	IV کردار تپه آشاه تختی ساری دره VIB هفتوان	Lippert 1979: ABB9-1 Seydov 2003: sekil 69,12 & Sekil63,9 Edward 1983: fig 92,8
۳۱	چرخ ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	خاکستری تیره	خاکستری تیره	صیقل جزئی	صیقل جزئی	V هفتوان متجوقلی تپه VIB هفتوان	C مطالبی: ۱۳۸۴: شکل ۷- Seydov 2003: sekil 70,11 Edward 1983: fig 131,1
۳۲	دست ساز	ماسه ریز	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	صیقل جزئی	گلی رقیق	-	-
۳۳	دست ساز	ماسه درشت	متوسط	متوسط	سیاه	سیاه	صیقل جزئی	صیقل جزئی	هتیکلیک VIB هفتوان	Seydov 2003: sekil 65,4 Edward 1983: fig 134,4
۳۴	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	گلی رقیق	گلی رقیق	V هفتوان آشاه تختی	N مطالبی: ۱۳۸۴: شکل ۲- Seydov 2003: sekil 57,23
۳۵	دست ساز	ماسه متوسط	متوسط	متوسط	خاکستری تیره	خاکستری تیره	گلی رقیق	گلی رقیق	هتیکلیک	Seydov 2003: sekil 65,9

Seydov 2003: sekil 57,17 & Sekil 55,16	آشاه تختی II آشاه تختی	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۳۶
B ملائی ۱۳۸۴: شکل ۸- Seydov 2003: sekil 62,21 Edward 1983: fig 107,10	V هفتوان کولانی VIB هفتوان	صیقل جزئی	گلی رقیق	خاکستری روشن	خاکستری روشن	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	۳۷
R ملائی ۱۳۸۴: شکل ۸- Muscarella 1975: fig 17,939 Seydov 2003: sekil 67,10 Edward 1983: fig 107,12	V هفتوان III دینخواه بی احمد VIB هفتوان	گلی رقیق	صیقل جزئی	سیاه	سیاه	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۳۸
R ملائی ۱۳۸۴: شکل ۷- Brown 1951: fig 20,802 Rubinson 1991: fig 1,11	V هفتوان D گوی تپه IV دینخواه	صیقل	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	کمی ظریف	کمی ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	۳۹
Ghirshman 1939: pl XL s.473 b ملک شه میرزادی ۱۳۵۶: شکل ۱۳۸ Rubinson 1991: fig 2	V سیلک I اسگر آباد IV دینخواه	گلی رقیق	گلی رقیق	خاکستری تیره	خاکستری تیره	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	۴۰
S ملائی ۱۳۸۴: شکل ۷- -	V هفتوان	صیقل	صیقل جزئی	خاکستری تیره	خاکستری تیره	کمی ظریف	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۴۱
AA ملائی ۱۳۸۴: شکل ۹- -	V هفتوان	صیقل	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	ظریف	ظریف	ماسه ریز	دست ساز	۴۲
- -	-	صیقل+گلی غلیظ	صیقل+گلی غلیظ	قرمز	قرمز	متوسط	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۴۳
DD ملائی ۱۳۸۴: شکل ۱۰- Lipert 1979: ABB 2,1 Seydov 2003: sekil 40,8 Brown 1951: fig 34,651 Kushnareva 1997: fig 56,7	V هفتوان IV کردار آشاه تختی D گوی تپه اوزرلیک تپه	گلی رقیق	گلی رقیق	خاکستری روشن	خاکستری روشن	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۴۴
O ملائی ۱۳۸۴: شکل ۸- Lipert 1979: ABB 3,2 Seydov 2003: sekil 54,11 Ghirshman 1939: pl XL II s.504 b Hamlin 1974: fig I,3a Brown 1951: fig 23,185 Kushnareva 1997: fig 56,8	V هفتوان IV کردار اوغلان قلعه IV سیلک IV دینخواه D گوی تپه کسی	صیقل	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	۴۵
ملائی ۱۳۸۴: شکل ۶- Lipert 1979: ABB 11,1 Brown 1951: fig 19,631 Kushnareva 1997: fig 52,1 Rubinson 1991: fig 29,F	V هفتوان IV کردار D گوی تپه ورین نور IV دینخواه	صیقل	صیقل	نخودی	قرمز	کمی ظریف	ظریف	ماسه متوسط	دست ساز	۴۶
U ملائی ۱۳۸۴: شکل ۶- Ghirshman 1939: pl XXX IXs.453c Brown 1951: fig 119,78	V هفتوان V سیلک D گوی تپه	صیقل	صیقل	سیاه	خاکستری روشن	متوسط	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۴۷
CC ملائی ۱۳۸۴: شکل ۱۰- Ghirshman 1939: pl XL III s.532 Muscarella 1975: fig 14,83 Lipert 1979: ABB 7,4	V هفتوان V سیلک III دینخواه IV کردار	صیقل	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری روشن	ظریف	ظریف	ماسه متوسط	دست ساز	۴۸
Seydov 2003: sekil 39,11	آشاه تختی	صیقل جزئی	صیقل جزئی	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۴۹
R ملائی ۱۳۸۴: شکل ۷- Seydov 2003: sekil 62,5	V هفتوان کولانی	صیقل	گلی رقیق	خاکستری روشن	خاکستری روشن	ظریف	ظریف	ماسه متوسط	دست ساز	۵۰
S ملائی ۱۳۸۴: شکل ۷- -	V هفتوان	صیقل	صیقل	خاکستری روشن	خاکستری روشن	کمی ظریف	کمی ظریف	ماسه ریز	دست ساز	۵۱
Ghirshman 1939: pl XL s.494 b Seydov 2003: sekil 56,10	V سیلک آشاه تختی	گلی غلیظ	گلی رقیق	قرمز	قرمز	ظریف	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۵۲
B ملائی ۱۳۸۴: شکل ۱۰- Seydov 2003: sekil 65,4 Negahban 1996: fig 17,497	V هفتوان حقیقلیک مارلیک	گلی رقیق	گلی رقیق	کرم	کرم	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	۵۳
ملک شه میرزادی ۱۳۵۶: شکل ۸-۱۴۵ Ghirshman 1939: pl XL s.457 a	II اسگر آباد V سیلک	صیقل	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخ ساز	۵۴
O ملائی ۱۳۸۴: شکل ۸- Rubinson 1991: fig 28,E Seydov 2003: sekil 45,3 Sagona 2004: fig 17,4 Edward 1983: fig 81,5	V هفتوان IV دینخواه شور تپه IVb اساس هویوک VIB هفتوان	گلی رقیق	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	متوسط	ظریف	ماسه ریز	دست ساز	۵۵
S ملائی ۱۳۸۴: شکل ۷- Rubinson 1991: fig 29,G	V هفتوان IV دینخواه	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخ ساز	۵۶

Seydov 2003: sekil 40,3 Edward 1983: fig 81,9	آشاه تختی VIB هفتوان									
Seydov 2003: sekil 40,7 Edward 1983: fig 134,4	آشاه تختی VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	سیاه	سیاه	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۵۷
S طلايي ۱۳۸۴: شکل ۹-۹	V هفتوان	صیقل جزئی	گلی رقیق	خاکستری تیره	خاکستری تیره	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۵۸
اطلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Seydov 2003: sekil 36,3 Edward 1983: fig 134,1	V هفتوان II کول تپه VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	کرم	کرم	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۵۹
N طلايي ۱۳۸۴: شکل ۸-۸ Edward 1983: fig 117,1	V هفتوان VIB هفتوان	گلی رقیق	صیقل جزئی	آجری	آجری	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۰
Seydov 2003: sekil 61,3 Edward 1983: fig 124,4	V هفتوان VIB هفتوان	گلی رقیق	صیقل جزئی	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۱
AA طلايي ۱۳۸۴: شکل ۹-۹ Edward 1983: fig 108,35	V هفتوان VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	دارچینی	دارچینی	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۲
Seydov 2003: sekil 38,2 Rubinson 1991: fig 28,B Edward 1983: fig 129,1	II کول تپه IV دینخواه VIB هفتوان	صیقل جزئی	صیقل جزئی	قهوه ای	قرمز	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۳
Edward 1983: fig 10,14	V هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه ریز	چرخساز	۶۴
L طلايي ۱۳۸۴: شکل ۶-۶ Rubinson 1991: fig 29,M	V هفتوان IV دینخواه	صیقل جزئی	صیقل جزئی	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۵
-	-	گلی رقیق	گلی رقیق	آجری	آجری	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۶
L طلايي ۱۳۸۴: شکل ۶-۶ Edward 1983: fig 105,3	V هفتوان VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۷
Lipert 1979: ABB10,2 Edward 1983: fig 10,14	IV کردلر VIC هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	نخودی	نخودی	خشن	خشن	ماسه درشت	دست ساز	۶۸
S طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Lipert 1979: ABB11,1 Brown 1951: fig 25,77 Seydov 2003: sekil 14,9 Rubinson 1991: fig 1,11 Edward 1983: fig 81,4 Kushnareva 1997: fig 63,1	V هفتوان IV کردلر D کوی تپه آشاه تختی IV دینخواه VIB هفتوان اوزلیک تپه	صیقل جزئی	گلی رقیق	خاکستری روشن	خاکستری روشن	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۶۹
ملک شه میرزادی ۱۳۵۶: شکل ۱۳۶-۱-۱۳۶ Muscarella 1975: fig 9,2 Lipert 1979: ABB 9,2 Seydov 2003: sekil 36,2 Rubinson 1991: fig 28,B Edward 1983: fig 117,18	V هفتوان III دینخواه IV کردلر II کول تپه IV دینخواه VIB هفتوان	گلی رقیق	صیقل جزئی	خاکستری تیره	خاکستری تیره	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۷۰
-	-	گلی رقیق	صیقل	خاکستری تیره	خاکستری تیره	کمی ظریف	کمی ظریف	ماسه ریز	چرخساز	۷۱
Z طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Rubinson 1991: fig 29,E Edward 1983: fig 87,4	V هفتوان IV دینخواه VIB هفتوان	صیقل جزئی	گلی رقیق	دارچینی	دارچینی	متوسط	متوسط	ماسه ریز	دست ساز	۷۲
B طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Rubinson 1991: fig 29,M Edward 1983: fig 117,15	V هفتوان IV دینخواه VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	سیاه	سیاه	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	چرخساز	۷۳
T طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰	V هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۷۴
F طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Rubinson 1991: fig 12,A Edward 1983: fig 87,4	V هفتوان IV دینخواه VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	خاکستری تیره	خاکستری تیره	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۷۵
Edward 1983: fig 110,34	VIB هفتوان	صیقل جزئی	صیقل جزئی	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	خشن	ماسه درشت	چرخساز	۷۶
AA طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Lipert 1979: ABB1,1 Edward 1983: fig 87,6	V هفتوان IV کردلر VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	خاکستری روشن	خاکستری روشن	ظریف	ظریف	ماسه ریز	چرخساز	۷۷
R طلايي ۱۳۸۴: شکل ۱۰-۱۰ Seydov 2003: sekil 139,18 Edward 1983: fig 101,11	V هفتوان کولالی تپه VIB هفتوان	گلی رقیق	گلی رقیق	قهوه ای	قهوه ای	متوسط	متوسط	ماسه متوسط	دست ساز	۷۸



## نتیجه‌گیری

دشت اردبیل و مشگین‌شهر مهم‌ترین حوزه‌ی باستان‌شناختی بخش‌های شرقی شمال‌غرب ایران است، جایی که مهم‌ترین وجهه‌ی باستان‌شناختی آن وجود قلاع، گورستان‌های باستانی و به میزان کم‌تری نسبت به این دو، محوطه‌های استقرار است. به جرأت می‌توان گفت این حجم از قلاع و گورستان‌های باستانی در هیچ حوزه باستان‌شناختی دیگری در ایران دیده نمی‌شود، این دشت موقعیت جغرافیایی خاصی دارد که به نظر می‌رسد این جغرافیای ناموزون، باعث شده که عمده‌ترین ساختارهای باستان‌شناختی آن قلاع و گورستان باشد. در حقیقت در این جا محیط جغرافیایی این امکان را به وجود آورده تا گروهی بر مسکن اولیه خود پابرجا بمانند و با استفاده از عوارض طبیعی زمین به ایجاد استحکامات پردازند. در این کشاکش بین جوامع، به واسطه‌ی تدبیر، مستعدترین این مکان‌ها برای دفاع و ایجاد ساختارهای دفاعی انتخاب شدند. این نوع ساختارها که خود بیان‌گر یک وضعیت ناآرام در این حوزه است، این تصور را مهیا می‌سازد که عنوان کنیم؛ جوامع این دوره فرصت این که در یک مکان مسطح و هموار به دفاع از خود پردازند در اختیار نداشته و آن‌ها به مکان‌های بلند شیب‌دار، لبه پرتگاه‌ها و کنار دره‌ها روی آورند تا با صرف کم‌ترین وقت و کم‌ترین مصالح، دست‌نیافتنی‌ترین مکان را برای ماندن و حفاظت از خود ایجاد کنند. براساس مطالب اشاره شده و ویژگی هر کدام از آن‌ها، حتی می‌توانیم برای مرکز بودن یا به‌عنوان مرکز انتخاب شدن هر یک از این قلعه‌ها، یک نوع رقابت بین آن‌ها را نیز متصور شویم، هر مکانی که امکان دسترسی و غلبه بر آن مشکل‌تر از بقیه بوده است، مطمئناً از نظر مردمانی که ترس از دست دادن جان و مال و منابع بر آن‌ها مستولی یافته بود، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین جان‌پناه انتخاب می‌شده است و خود این افراد نیز در بهتر نمودن استحکامات آن، دست به کار می‌شدند و نیروی کار بیشتر باعث به‌وجود آمدن یک‌سری قلعه‌های مستحکم مرکزی می‌شده است، ولی مهم‌تر از این موضوع، وجود قلعه‌هایی با فواصل معین در اطراف این قلعه‌های مرکزی است؛ به‌طور حتم کسی نمی‌تواند وجود این‌ها را تصادفی و اتفاقی قلمداد کند، آن هم با این همه ویژگی‌های مشابهی که دارند. وجود شباهت‌های انکارناپذیر از جمله: فواصل مشابه، روش دیوارسازی یک‌سان، استفاده از مصالح مشابه، انتخاب مکان‌های مشابهی که بتوان از عوارض طبیعی برای دفاع استفاده کرد، دو نکته را محتمل می‌سازد؛ اول، ساخته شدن این قلاع توسط افرادی است که وظیفه‌ی آن‌ها صرفاً ساختن چنین ساختارهایی بوده است که این احتمال نمی‌تواند به حد رضایت بخشی جواب داده شود، چون این امکان نمی‌توانسته به‌وجود بیاید که یک گروه مشخص تشکیل گردد تا وظیفه سنگین ساختن چنین ساختارهایی را به عهده بگیرند؛ برای این که فرصتی برای این امر وجود نداشته تا چنین سازمان‌دهی پیشرفته‌ای عملی گردد، مگر این که این قلاع را ساختارهای پیش‌ساز بدانیم که در اثر دوراندیشی مردمان بومی برای آینده طرح ریزی شده‌اند که چنین احتمالی نیز ضعیف است؛ چون اولاً مدرکی در این باره در دست نداریم و دوم این که در این حوزه فرهنگی از مفرغ قدیم و حتی شاید قدیمی‌تر از آن نیز، همیشه مهاجرانی وجود داشته‌اند که وجود قبوری از آن‌ها در گورستان‌های منطقه خلخال، دشت اردبیل و مشگین‌شهر این

گفته را تائید می‌کنند. اگر قرار بود از قبل قلعه‌ای ساخته شود، باید در ادوار قبلی ساخته می‌شدند و ما از آن‌ها آثاری می‌یافتیم. دومین نکته، نظارت قلعه مرکزی بر ساخت این قلاع اقماری است؛ به‌نظر می‌رسد، قلعه مرکزی و سرکردگان آن بیش از آن‌که به فکر حفظ جان و مال مردم تحت حمایت خویش باشند، به فکر حفظ حدود و ثغور خود و حفظ منابع در دسترس بودند و از این‌رو به نظر می‌رسد که یک نظارت مستقیمی بر ساخت این ساختارها داشتند. آن‌ها سعی کرده‌اند این ساختارهای مستحکم را در فواصل منظم و معین، و در جایی که بتوان از عوارض طبیعی چون: کوه‌ها، دره‌ها و پرتگاه‌ها به بهترین نحو استفاده نمود، بسازند. به‌واسطه‌ی این نظارت بوده که چنین قلاعی می‌توانسته این‌گونه عوارض طبیعی و مصنوعی را به هم پیوند دهد تا به مانعی مستحکم تبدیل گردد. حتی شاید این قلاع آن‌قدر هم که ما تصور می‌کنیم، مستحکم نبودند؛ ولی مطمئناً هر چه بودند برای دفاع و اسکان جایگاه ایده‌آلی بودند.

ذکر این نکته لازم است که ما نیاز به بررسی‌ها و کاوش‌های بیشتری داریم تا بدانیم که این نوع فرهنگ منحصر به‌فرد حوزه شرقی شمال‌غرب ایران، که به‌وجود آمدن جوامع سیاسی و اجتماعی با ساختارهای پیچیده را در این برهه از پیش از تاریخ شمال‌غرب محتمل نشان می‌دهد، تا چه حد و با چه وسعتی این حوزه را تحت تاثیر خود قرار داده و تا چه برهه‌ای توانسته به این شکل به حیات خود ادامه دهد و این‌که چرا این نوع ساختارهای پیچیده به نتیجه طبیعی این فرایند که همانا تشکیل حکومت‌های نوپای محلی است، منجر نشده است و یا شاید منجر شده و ما به علت فقدان اطلاعات از آن بی‌خبریم؛ به‌هر حال موضوعات آن‌گونه که اشاره شد، ساده نیستند و علاوه‌بر مردمان مدافع و مهاجم در دو طرف ماجرا، و عوامل محیطی و جغرافیایی که به بخشی از آن‌ها اشاره گردید، عوامل دیگری چون: ظهور قدرت‌های محلی در مناطق هم‌جوار، هجوم اقوام صرفاً مهاجم از طرف مناطق شمالی به‌سوی آناتولی و بین‌النهرین که همیشه قسمتی از شمال‌غرب ایران گذرگاه آنان بوده، پیدایش و ساخت ابزارآلات جنگی پیشرفته به‌عنوان نیروهای محرکه، بر این کس و قوس‌های حاکم در عصر مفرغ و عصر آهن سراسر منطقه شمال‌غرب شدت و قوت می‌بخشیدند.

### کتابنامه

- ابتهاج، ویدا، ۱۳۸۳، "بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران"، مطالعه‌ی موردی محوطه شهرداری اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- پورفرج، اکبر، ۱۳۸۶، "بازنگری عصرآهن شمال‌غرب ایران"، مطالعه‌ی موردی محوطه شهرداری اردبیل و قلاع اقماری، رساله‌دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- رضالو، رضا، ۱۳۸۶ الف، "گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهش‌کده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا، ۱۳۸۶ ب، "ظهور جوامع با ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی در عصر مفرغ جدید"، رساله‌ی دکترای باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس

(منتشر نشده).

- رضالو، رضا، ۱۳۸۷، "گزارش مقدماتی دومین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان"، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا، ۱۳۸۸، "گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان"، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا، ۱۳۸۹، "گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خانقاه گیلوان"، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضالو، رضا، ۱۳۹۰، "گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر"، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- طلایی، حسن، ۱۳۷۴، باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد، تهران: انتشارات سمت.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۰، تهران سه هزار و دوپست ساله براساس کاوش‌های باستان‌شناسی، چاپ اول، تهران: نشر فضا.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق، "گزارش مقدماتی فصل اول و دوم تپه سگ‌آباد (سال‌های: ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)"، مجله‌ی مارلیک، شماره ۲، صص ۹۸-۸۱.

- Badaliyan, R. S., P. Kohl, D. Sttronach, A. Tonikian. 1994, Preliminary report on the 1993 excavations at Horom, Armenia, Iran 32: 1-29.
- Badalyan, R. S., A. T. Smith & P. S. Avetisyan. 2003, the emergence of socio political complexity in southern Caucasia, In Archaeology in the borderlans: investigations in Caucasia and beyond, edited by A. T. Smith and K. Rubinson, pp: 144-167, the cotsen institute of archaeology at UCLA. Los Angeles.
- Bahsaliyev, V. 1997, Nahcivan arkeolojisi, the archaeology of Nakhichevan, Arkeologi ve sanat yayinlari, Istanbul.
- Demorgan, J. 1905, Recherches au Talych Persaen 1901, In Necropoles des ages du Bronze Et du fer, MOP VIII PP 251- 345.
- Ingraham, M. L and G, Summer. 1979, Stelae and settlement in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan, Iran, AMI 12: 67-101.
- Edwards, M.R. 1983, Excavation in Azerbaijan (north-western Iran) 1. Haftavan, period VI. Oxford (BAR international series 182).
- Ghirshman, R. 1939, Fouilles de Sialk pres de Kashan, 1933, 1934, 1937 II. Paris: Gheuthner.
- Hamlin, C. 1974, The early second millennium ceramic assemblage of Dinkha Tepe. Iran 12: 125-153.
- Kleiss, W. 1969, Beridt uberzwei er Kundun gsfahrten in nordwest Iran, AMI 2:7-119.
- Kleiss, W. 1972, Bercht uber erkundungs fahrten in Iran im jahre 1971, AMI 5: 185-242.
- Kleiss, W. 1997, Hugelgraber in nordwest und westiran, AMI 29: 179-191.
- Kohl, P. L. 2001, Migrations and cultural diffusions in the later prehistory of the Caucasus, in migration und kulturansfer, (Ed) R. Eichmann and

M. Parzinger, GMBH, Berlin, pp: 313-328.

- Kroll, S. 1984, Archaologische fundplateze in Iranisch-ost-Azarbaidjan, AMI 17: 13-135.

- Kushnareva, K. 1997, The southern Caucasus in prehistory: stages of cultural and socioeconomic development from the eighth to the second millennium B.C. translated by H.N. Michael. Philadelphia: University of Pennsylvania Museum.

-Lippert, A. 1979, Die osterreichen ausgrabungen am Kordlar- Tepe in Persisch- Westaserbaidjan ( 1971- 1978). Archologische Mitteilungen aus Iran 12: 103-153.

-Muscarella, O. W. 1974, The Iron age at Dinkha Tepe, Iran. Metropolitan Museum journal 9: 35\_90.

-Negahban, E. 1996, Marlik the complete excavation report. Vol I and II, Philadelphia: University Museum.

-Rubinson, K. S. 1991, A mid-second millennium tomb at Dinkha Tepe. American journal of archaeology 95/3: 373-394.

-Sagona, A. 2000 & 2000, Sos Hoyuk and the Erzurum region in late prehistory: A provisional chronology for northeast Anatolia. In chronologies des pays du Caucase et de l Euphrate aux IVe-IIIe millenaires: Acts du colloque d Istanbul, 16-19 desembre 1998(Acta Anatolica XI), edited by C. Marro and H. Hauptmann, pp.312-328. Paris: DE Boccard.

-Seyidov, A.G. 2003, Naxcivan VII- II minilliklarda. Baki: ELM.

- Smith, T. A. 1998, Late Bronze & early Iron Age fortresses of the Ararat and Shirak plains, Armenia: Typological considerations, in ancient civilizations from Scythia to Siberia, vol 5:1-25.

- Smith, A. t, R. S. Badalyan, P. S. Avetisyan & M. Zardaryan. 2003, early complex societies in southern Caucasia: A preliminary report on the Tsakahovit plain, Republic of Armenia, forthcoming In American Journal of Archaeology.

which have been made with stone alignment without mortar on top of the hill and from one or two directions have preserved by natural features. Regarding to their function, notability and some other factors the castles of this period can be classified to various types. Of the most striking features of these settlements is a large castle in center as a central fortress surrounding by several smaller peripheral fortresses. In this model, the fortress such as Qalla Khosrow has been as central and the fortresses such as Zino, Shindir shami, Kichik Yurdi, Sheytan Dashi, Gol Nesa and Yeri castle peripheral fortresses having pattern. These citadel are not big and their expansion are 1 to 2 hectare in area. It seems that in Late Bronze Age of the region a network of fortified citadel around the central fortresses like Qalla Khosrow is visible. Of the physical characters of the central fortress to contain a cemetery with Megalithic graves. The peripheral fortresses are small in size and area and there are some graveyards Cist tombs around them. It seems that these castles had military function and have built to protect the boundary and pasture of central fortresses and as a military station guarding the Ardabil plain from the north.

**Keywords:** Late Bronze Age, Iron I, Cultural Zone, Qalla Khosrow, Environmental Fortress.

PAZHOHESH-HA-YE  
BASTANSHENASI IRAN  
Archaeological Researches of Iran  
Journal of Department of Archaeology  
Faculty of Art and Architecture  
Bu-Ali Sina University

---

## The Late Bronze Age and Iron Age I Cultures in Ardabil Plain: Qalla Khosrow and Peripheral Castles

---

**Reza Rezalou**

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Mohaghegh  
Ardabili, Ardabil

reza\_rezaloo@yahoo.com

**Yahya Ayramlou**

Ph.D. Candidate in Archaeology, Department of Archaeology, University of  
Mohaghegh Ardabili, Ardabil

Received 2014/01/28 - Accepted 2014/08/06

### Abstract

The chronology of Northwestern Iran is mainly based on the results of some sites located around Lake Uremia; while the northwestern Iran has various geographical landscapes, including pastures, mountains, and less-watered plains. The climate and vegetation had great impact on the life of people in this area. This impacts are more visible on the societies of the Late Bronze age and Iron Age of these small oasis.

Qalla Khosrow is one of these sites located some 30 kilometers North-West of the Ardabil city. The fortress stands on a rocky hill, some 1395 meters above the sea level, on the left bank of the Gharasu River; the river has restricted the site in north, northwest and east directions as flowing close to fortress structures with high steep. In addition to the vast natural obstacles, of the main advantages of the Qalla Khosrow is its location on the Ardabil- Meshgin Shahr ancient road.

The extent of Qalla Khosrow including settlement and cemetery overall is more than 300 hectares in area while the fortress itself is about 20 hectares. According to the Archaeological evidences, the cultural features of the Late Bronze Age and Iron Age I in east of northwestern Iran have considerable differences with Lake Uremia basin. This diversity in settlement patterns and common cultures of given zones is depend on the dominant Geographical conditions of each zone. However, the Late Bronze Age of the Lake Uremia Basin is known as Uremia and Khabur Ware, but the most striking feature of the Settlement Patterns in the Late Bronze Age in eastern areas of the northwest of Iran -the Ardabil Plain- is living within castles